

بررسی تحلیلی اصطلاحات دانش پزشکی ایرانی در غزلیات حکیم رُکنا مسیح کاشانی

نیلوفر معصومه احمدی^۱، محمد علی خالیدیان^{۲*}، حسنعلی عباسپور اسفدن^۳

چکیده

یکی از شاخصه‌های اصلی درون‌مایه‌های شعری شاعران بهره‌گیری از اطلاعات علمی گوناگون است. بخش مهمی از این مفاهیم علمی، مربوط به دانش پزشکی است که نقش جالب‌توجهی را در آفرینش‌های ادبی بر عهده دارد و با شرح و تحلیل این مضامین بسیاری از ابهامات لغوی و زبانی موجود در آثار رفع می‌گردد. این پژوهش به بررسی دانش پزشکی ایرانی در غزلیات حکیم رُکنا کاشانی می‌پردازد. پژوهش حاضر بر آن است تا زمینه‌های درک صحیح مفاهیم سروده‌های شاعر را فراهم نماید، جایگاه دانش پزشکی را در اشعار شاعر نشان دهد، صاحب‌نظران علم پزشکی را به مطالعه آثار ادبی و بهره‌گیری از یافته‌های پزشکی گذشتگان ترغیب نماید و سبب احیای میراث گرانمای فرهنگی و ادبی کشور شود. در این پژوهش بعد از ذکر کلیات، با مطالعه اشعار، ابیات مرتبط با مضامین پزشکی استخراج و دسته‌بندی گردید و سپس مورد تحلیل قرار گرفت. روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و براساس مستندات کتابخانه‌ای است. نتایج نشان می‌دهد، حکیم رُکنا برای غنی‌سازی مطالب و بیان مفاهیم، از دانش پزشکی ایرانی بهره‌مند می‌گردد و به مباحث پزشکی شامل: انواع بیماری‌ها، راه‌های تشخیص بیماری، شیوه‌های درمانی، ادوات، مشاغل، اندام‌ها، اصطلاحات عمومی و باورهای عامیانه طبّی اشاره می‌نماید. همچنین حکیم رُکنا مضامین طبّی را دستاویزی برای مقاصد ادبی خود قرار می‌دهد و به مدد آرایه‌های ادبی چون: تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز دست به آفرینش‌های ادبی می‌زند و غنای ادبی اشعارش را افزون می‌نماید.

کلید واژه‌ها: دانش پزشکی ایرانی، حکیم رُکنا، مضامین پزشکی و غزلیات.

^۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گرگان، ایران.

^۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گرگان، ایران. (نویسنده مسئول).

^۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گرگان، ایران

۱- مقدمه

دانش پزشکی از جمله علوم می‌آید که همواره برای بشر دارای اهمیت روز افزون می‌باشد. از بدو آفرینش انسان تا حال حاضر، این علم همگام با توسعه خود، در اندیشه و اذکار بشر نیز جلوه‌نمایی نمود، آن چنان که می‌توان در اکثر آثار، اشاراتی به این علم گرانسنگ را شاهد بود. پس از ظهور اسلام و به خصوص در ملت‌های غیر عرب از جمله ایران، ارزش و اهمیت دانش پزشکی روز به روز در زندگی و اذهان مردم افزایش یافت و با گذر زمان آثاری نیز در این زمینه به نگارش در آمد. از قرن چهارم هجری به بعد، متون فارسی دانش پزشکی، اثربخشی خود را بر افکار و اندیشه‌های شاعران و نویسندگان نیک‌طبع بر جای گذاشت. از این دوره به بعد کمتر اثری را می‌توان یافت که جلوه‌هایی از دانش پزشکی در آن نمایان نباشد. یکی از شاعران برجسته‌ای که به گونه‌ای ویژه در اشعارش از دانش پزشکی ایرانی و مضامین طبّی بهره می‌برد، حکیم رُکنا مسیح کاشانی است. حکیم رُکنا از طبیبان حاذق و معروف زمان خودش می‌باشد و به واسطه این شغل آبا و اجدادی، اطلاعات ارزنده‌ای در این حیطه داشت؛ حکیم رُکنا به مسائل مذکور تنها از جهت نشان دادن مهارت و تبحر خود در آن موضوعات نمی‌پردازد بلکه، با بیان مطلبی طبّی به دنبال زیباتر بیان کردن آن نیز هست و به مدد آرایه‌های ادبی و فنون بلاغی در بسیاری از موارد مضامین طبّی را دستاویزی برای بیان مقاصد ادبی خود قرار می‌دهد و به آفرینش‌های ادبی مبادرت می‌نماید. امروزه در تحقیقات نوین و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، بسیار جای پژوهش‌های پزشکی در متون ادبی خالی است و محققان این دو رشته کمتر به سراغ رشته یکدیگر می‌روند. قَلّت منابع در این حوزه، سبب آن است که محققان جدید کمتر وارد چنین موضوعاتی شوند. از مهم‌ترین دلایلی که ما را ترغیب به بررسی دانش پزشکی ایرانی در غزلیات حکیم رُکنا نمود این امر می‌باشد تا باشد که با وجود کمبود منابع و محقق در این حوزه، فتح‌بایی شود تا بعد از این پژوهشگران کوشا بتوانند در این مسیر قدم‌های بلندتری بردارند.

۲-۱- بیان مسأله

یکی از شاخصه‌های اصلی درون‌مایه‌های شعری شاعران اطلاعات و معارف علمی گوناگون است. بخش مهمی از این مفاهیم علمی، مربوط به طب و مضامین طبّی است که نقش مهمی را در آفرینش‌های ادبی بر عهده دارد. دانش پزشکی ایرانی بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ و زندگی ماست و در تار و پود ادبیات ما نیز ریشه دارد، اما متأسفانه کم‌توجهی به علم پزشکی ایران باستان سبب

گردید، به ناحق پزشکی ایران را به کشورهای دیگر آن زمان چون یونان نسبت دهند و دانش ایرانیان را نوعی الگوی بر گرفته از یونانیان بدانند. در حالی که یک شاهد موثق برای رد چنین ادعایی، ادبیات کشور ماست. ادبیات ما آینه‌ای تمام‌نما از جلوه‌های دانش پزشکی ایرانی است. در شعر بسیاری از شاعران ما از جمله: خاقانی، سنایی، عطار، مولانا، سعدی و... این مفاهیم به وفور یافت می‌شود. همچنین حکیم رُکنا مسیح کاشانی نیز یکی از شاعران و طبیبان حاذقی می‌باشد که به گونه‌ای ویژه در اشعارش از دانش پزشکی ایرانی بهره می‌برد. بنابراین بررسی این اصطلاحات در آثار شاعران زمینه‌های درک صحیح مفاهیم سروده‌های شاعر را فراهم می‌سازد و جایگاه دانش پزشکی را در اشعار او نشان می‌دهد. همچنین زمینه‌ساز آشنایی با بسیاری از مفاهیم طبّی می‌شود و صاحب‌نظران علم پزشکی را به مطالعه آثار ادبی به منظور آگاهی از یافته‌های طبّی گذشتگان ترغیب می‌کند و سبب احیای میراث گرانبهای فرهنگی و ادبی کشور و عرضه آن به جهانیان می‌شود. لذا علاوه بر علاقه فراوان و مطالعات مرتبط ما در این حیطه، این مسائل بسیار ما را به انجام این پژوهش راغب نمود، تا با طرح این موضوع در پژوهش مختص به رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، به بررسی مضامین مرتبط با این علم بزرگ ایرانیان، در دیوان شاعری توانمند پردازیم که نخستین بار است در این حیطه، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، پژوهش حاضر بر آن است که دانش پزشکی ایرانی را در غزلیات حکیم رُکنا کاشانی مورد تحلیل قرار دهد و با مطالعه اشعار و استخراج ابیات مرتبط و دسته‌بندی و شرح مضامین از کتب معتبر پزشکی، پیچیدگی‌ها و ابهامات اشعار را رفع نماید و با تحلیل مضامین طبّی نشان دهد چگونه حکیم رُکنا مضامین پزشکی را با بهره‌گیری از صنایع بیانی مانند: تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز، به پدیده‌های ادبی بدل می‌سازد و غنای ادبی اشعار را افزون می‌نماید.

۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

این مسأله بسیار شایان توجه است که گاهی پیچیدگی‌های زبان و دشواری‌های شعر به دلیل ورود اصطلاحات مختلف از جمله پزشکی به شعر است، انجام پژوهش‌هایی در این زمینه و پرداختن به موضوعاتی چون یافتن اصطلاحات و مضامین پزشکی و شرح و تفسیر آنها، از بهترین روش‌های ممکن برای رفع پاره‌ای از ابهامات متون شعری از جمله دیوان حکیم رُکنا مسیح کاشانی است. به علاوه شرح و توضیح این اصطلاحات راهنمایی جهت تصحیح کتب کهن ادبیات فارسی به شمار می‌آید. اهمیت دیگر این پژوهش آن است که با انجام چنین پژوهش‌هایی به روشنی می‌توان دریافت

که حکیم رکنا با بهره‌گیری از مضامین پزشکی غنای افزون‌تری به اشعار خود می‌بخشد و آثار او با استفاده از موضوعات طب و داروشناسی و پرداختن به مقولات پزشکی مفاهیمی ژرف‌تر می‌یابند.

۴-۱- پیشینه پژوهش

دانش پزشکی در ادبیات ما پیشینه‌ای بس دیرینه دارد. در طول تاریخ تألیفات ارزنده‌ای بسیاری چون ذخیره خوارزمشاهی، هدایه المتعلمین فی طب، قانون و نیز آثار ادبی ارزنده‌ای در زمینه پزشکی به تحریر در آمد. برای مثال می‌توان «چهار مقاله عروضی سمرقندی» را ذکر کرد. به علاوه، در جای جای دواوین شعرای برجسته‌ای مانند فردوسی، خاقانی، مولانا، سعدی، حافظ و... ردپایی از دانش پزشکی را می‌توان یافت. در قرن معاصر نیز تلاش‌هایی در زمینه تحلیل مضامین پزشکی برخی از آثار ادبی صورت پذیرفت. برای نمونه به کتاب‌هایی مثل طب و مضامین طبی و بازتاب آن در ادب فارسی و کتاب طبیبانه‌های حافظ می‌توان اشاره نمود. همچنین پایان‌نامه‌هایی نیز در این موضوع به تحریر رسید و در آن‌ها علم طب در آثار عطار، سنایی، سعدی، مولوی و غیره مورد بررسی قرار گرفت. در مورد مسیح کاشانی پژوهش‌ها انگشت‌شمار است. نخستین اطلاعاتی که درباره او وجود دارد، نوشته‌های تذکره‌های ادبی است. در چند دهه گذشته نیز پژوهش‌های کم‌شماری به شرح زیر درباره حکیم رکنا به انجام رسید که اکثراً به تصحیح نسخ خطی او اختصاص داشت. این پژوهش‌ها عبارتند از: ۱- کتاب «شرح احوال، بررسی آثار و گزیده اشعار مسیح کاشانی، حکیم رکنا» اثر امیر علی آذر طلعت ۲- رساله‌ای با عنوان «تصحیح انتقادی جلد نخست دیوان مسیح کاشانی» به قلم محمد علی شریفیان ۳- مقالات «بررسی ساختاری دیوان حکیم رکنا با رویکرد تأثیر اوضاع اجتماعی روی موسیقی شعر» و «بررسی ساختاری دیوان خاقانی و حکیم رکنا و مقایسه با کتاب‌های تاریخی» اثر محمد علی شریفیان ۴- مقاله «سبک‌شناسی دیوان مسیح کاشانی و معرفی نسخ خطی این دیوان» اثر مهدی ماحوزی و شیوا قاصد رضایی ۵- رساله‌ای با عنوان «تصحیح انتقادی دیوان چهارم مسیح کاشانی» به قلم مهتاب استادی ۶- پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان «نقد و بررسی غزلیات مسیح کاشانی» اثر نرگس شمس ۷- پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با موضوع تصحیح غزلیات دیوان حکیم رکنا کاشانی به نگارش زهرا مهندس ۸- پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با موضوع تصحیح نسخه خطی حکیم رکنا اثر مریم بازداد ۹- پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با موضوع تصحیح نسخه خطی مجموعه‌ای شامل هشت رساله به قلم فاطمه فنایی. در مجموع این پژوهش‌ها شامل همین چند اثر مختصر است. لذا

پژوهش حاضر برای نخستین بار به تحلیل لایه‌های زیرین متن و واکاوی دانش پزشکی در غزلیات حکیم رگنا می‌پردازد، باشد که بتواند در حل پاره‌ای از ابهامات معنایی این مجموعه مؤثر واقع شود.

۵-۱- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و براساس مستندات کتابخانه‌ای است. در این پژوهش پس از مطالعه ۷۲۳ غزل دیوان حکیم رگنا و یادداشت‌برداری از اصطلاحات و مطالب مرتبط با دانش پزشکی ایرانی، اطلاعات جمع‌آوری و براساس چهارچوب کلی اثر و به صورت موضوعی به چند دسته اصلی تقسیم‌بندی شد. بعد از استخراج شواهد از غزلیات حکیم رگنا، و یافتن مستندات مرتبط از کتب معتبر، مطالب و مضامین پزشکی مورد شرح و تفسیر قرار گرفت و سپس از منظر علم بیان به تحلیل مضامین پزشکی پرداخته شد و یافته‌ها با ذکر شواهد مورد تبیین و ارائه قرار گرفت.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- حکیم رگنا مسیح کاشانی

«رکن الدین مسعود پسر حکیم نظام الدین علی، متخلص به مسیح و مسیحی، از پزشکان و شاعران سده دهم و یازدهم هجریست. خاندان او نیز از دیرباز پیشه پزشکی داشتند.» (صفا، ۱۳۷۸: ۱۱۹۳) حکیم رگنا در نیمه دوم قرن دهم (۹۸۵-۱۰۶۶ ق) در شهر کاشان تولد یافت. وی افزون بر قریحه شاعری، طبیی حاذق و خوشنویسی ماهر بود. (آذر طلعت، ۱۳۷۸: ۱۴) حکیم رگنا در دوران جوانی خود به دیوان شاه عباس اول رفت و به مقام طبابت دربار او دست یافت؛ همچنین از مداحان و خاصان دیوان شاه عباس اول گشت. (قاصد رضائی و ماحوزی، ۱۳۹۳: ۳) سال‌ها بعد به علت جانبداری شاه عباس از یکی از درباریان در مناظره‌ای که میان حکیم رگنا و او اتفاق افتاد، مسیح از شاه عباس رنجور گردید و دربار را ترک نمود و به دیار هند هجرت کرد. (شریفیان، ۱۳۸۸: ۸۸) مسیح بعد از ۳۲ سال به وطن خود بازگشت و سرانجام در سال ۱۰۶۶ هجری در کاشان، به دیار باقی شتافت. (شاه حسینی و شریفیان، ۱۳۹۱: ۲۹) «حکیم رگنا شاعری پر کار بود. او بیش از صد هزار بیت شعر سرود و سه دیوان نیز به نگارش در آورد.» (قزوینی، ۱۳۷۵: ۵۰۴) البته برخی تذکره‌ها تعداد دیوان‌های او را پنج و برخی نه دیوان ذکر نمودند. به طور کل آنچه از آثار او برشمرده‌اند عبارتند از: ۱- مجموعه خیال ۲- دیوان شعر شامل قصاید، رباعیات، قطعات و غزلیات ۳- ساقی‌نامه (مثنوی) ۴- ساقی‌نامه (ترکیب‌بند) ۵- رام و سیتا ۶- قضا و قدر (مثنوی) ۷- دیوان شعر شامل: قصاید، ترکیبات،

قطعات و غزلیات ۸- اثری در پزشکی به زبان عربی با نام «ضابطه العلاج». (آذر طلعت، ۱۳۷۸: ۹۶) از حکیم نسخه‌های خطی بسیاری وجود دارد. در این پژوهش از نسخه خطی دیوان او که در هجدهم شوال سال ۱۰۴۷ قمری در دارالمؤمنین کاشان به خط زیبای نستعلیق توسط شاگردش، تذهیب و کتابت شد و شامل قصاید، رباعیات، قطعات و غزلیات اوست، استفاده گردید. این دیوان شامل ۲۹ قصیده، ۹۵ رباعی، ۲۲ قطعه و ۷۲۳ غزل است. در این پژوهش ۷۲۳ غزل او مورد بررسی قرار گرفت.

۲-۲- دانش پزشکی ایرانی

دانش پزشکی علمی است که از طریق آن می‌توان بر کیفیات بدن انسان آگاهی یافت. هدف این علم حفظ صحت بدن در موقع سلامت و اعاده آن در زمان بیماری است. (ابن سینا، ۱۳۸۹: ۳) دانش پزشکی ایرانی، از کهن‌ترین اشکال طب سنتی است که براساس اخلاط اربعه صفرا، دم، سودا و بلغم می‌باشد. پزشکان طب سنتی شاخصه تعیین و درمان همه عارضه‌ها را توجه به مزاج بیماران می‌دانستند. در دانش پزشکی ایرانی از همه عنصرهای موجود در طبیعت شامل: معدنی، حیوانی و گیاهی برای اصلاح مزاج بهره می‌برند. عارضه‌ای که با چیرگی یک خلط در بدن رخ می‌نماید، با اصلاح اعتدال آن رفع خواهد شد. حکما و اطباء قدیم بر این باورند که عوامل بسیار گوناگونی بر سلامت و تندرستی یا بیماری افراد تأثیرگذارند. گاهی این عوامل مربوط به کیفیات جسمی و نفسانی فرد، مثل مزاج و اخلاط و قوای جسمی و درونی است و گاهی مربوط به عناصر موجود در طبیعت مثل آب، هوا، محیط زیست، خوراک، بهداشت و غیره می‌باشد. (همان: ۱۹) حکیم نیز در اشعارش از این عوامل غافل نبود و این نظریات را در اشعارش منعکس نمود. علم طب از جمله علوم است که مورد استفاده رشته‌های مختلف علمی از جمله ادبیات است. ادیبان نیک اندیش با به مدد اصطلاحات و مفاهیم پزشکی، به مضمون‌سازی می‌پردازند و به این مضامین، رنگ و جلایی خاص می‌بخشند.

۳- بحث و بررسی

۳-۱- بیماری‌ها

حکیم رُکنا در غزلیاتش به (۳۰) مورد از انواع بیماری‌ها اشاره دارد که در جدول شماره (۱) بسامد هر یک ارائه گردید و در ادامه برخی از آنها مورد تحلیل و ارائه قرار می‌گیرد.

جدول (۱) بسامد کاربرد اصطلاحات مربوط به بیماری‌ها در غزلیات حکیم رُکنا

اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد
آب	۱	سکته	۱	زُکام	۳	بارداری	۱۷	اضطراب	۵۶
مروارید	۱	گری	۱	گری	۳	استسقا	۱۹	دیوانگی	۶۵
برص	۱	(جرب)	۱	سپیدی	۴	ابلهی	۳۱	پوستی	۸۲
پيله	۱	وبا	۲	چشم	۵	بیهوشی	۳۱	عشق	۱۳۰
چشم درد	۱	گنگ (لال)	۳	لنگ	۱۱	خال	۵۱	مسمومیت	۱۴۵
خفقان	۱	احولی	۳	آبله	۱۵	افسردگ	۵۲	جگرخون	۲۸۱
رمد		تاری چشم		کوری		ی			

۳-۱-۱- زُکام

یکی از بیماری‌های مورد اشاره در غزلیات حکیم رُکنا «زُکام» است، که از جمله بیماری‌های جسمی محسوب می‌شود و در دسته بیماری‌های تنفسی جای دارد. عارضه التهاب مخاط بینی را که غالباً با آبریزش بینی و گرفتگی همراه است زُکام می‌نامند و آن از علل گوناگونی عارض می‌شود. (مفیدی، ۱۳۷۵: ۵۱۷) به تعبیری دیگر «زُکام، سرماخوردگی یا التهاب نزله‌ای مجاری تنفسی فوقانی است که به علل عفونت ویروسی، میکروبی و یا آلرژی به وجود می‌آید.» (دورلند، ۱۳۷۸: ۲۶۵) برخی منابع، زکام را با «نزله» یکی دانسته‌اند. این عارضه‌ها به این دلیل یکسان هستند که هر دو از سیلان و روانی مغز به وجود می‌آیند اما عوام چیزی که در حلق می‌ریزد را «نزله» و آنچه که از مسیر بینی فرو می‌ریزد را به نام زکام تعبیر می‌کنند. (ابن سینا، ۱۳۸۹: ۳۰۶) «نزله یا زکام به دو دسته گرم و سرد تقسیم می‌شوند.» (همان: ۸۷) از توصیه‌ها و شیوه‌های درمان زُکام در طب سنتی می‌توان به موارد زیر می‌توان اشاره نمود: گرم کردن سر، دود کردن عود و لادن، پرهیز از مصرف خوراکی‌های نفاخ و شور و ترش و چرب، در نوع گرم زُکام فرد بیمار در طول سه روز فقط کشکابی که با عَناب و سپستان و تخم خشخاش طبخ می‌شود نوش جان کند، نوشیدن آب انار شیرین و خوردن سوپ‌هایی که با نشاسته گندم طبخ می‌شود سودمند است، در نوع سرد نزله مصرف سوپ‌های نخاله گندم، آش- های گرم و ملین، عسل، روغن بادام و نیز استفاده از آب گرم مفید است. در نزله گرم جهت غلیظ

شدن ماده رقیق توصیه به در دهان داشتن کتیرا و به دانه می شود، استشمام مُشک، بُخور سیاه دانه و قرار دادن پنبه آغشته به روغن های گرم در گوش نیز برای نزله سرد مفید فایده می باشد. (قدمی یزدی، غفّاری و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۱۰) حکیم رُکنا بعد از ذکر گذر فصل سرد سال و رسیدن گل و موسم جان، دعوت به باده نوشی و گل ریزی می کند و بخت را به کام می داند و می گوید:

مگو فقیه به من باده از برای چه نوشی مرا ز شدّت سرمای گُل همیشه زُکام است
(کاشانی، ۱۰۱۶: ۹۳)

سرمای طبیعت از علل بیماری زکام است اما زکام مورد نظر حکیم رکنا از این سرما ناشی نمی شود بلکه سرمای فراق و دوری از یار و سردی و بی اعتنائی معشوق است که عامل ایجاد آن است. حکیم رکنا در این غزل از رسیدن گل و فصل بهار و متعاقب آن نیز از زکام سخن به میان می آورد که بیانگر اشاره او به بیماری آلرژی یا زُکام بهاره و یا به اصطلاح تب یونجه است. «حالتی مشابه سرماخوردگی معمول، که به سبب حساسیت به پولن گل سرخ ایجاد شود. به تعبیری دیگر آن را سرماخوردگی ناشی از حساسیت به گل سرخ نامند.» (دورلند، ۱۳۷۸: ۲۶۵) حکیم زکریای رازی نیز رساله ای با عنوان شمیمه دارد که در مورد دلیل زُکام در فصل بهار و نیز در هنگام بوییدن گل سرخ سخن به میان می آورد. در کتاب ذخیره خوارزمشاهی سید اسماعیل جرجانی نیز فصلی از کتاب به آلرژی های فصلی اختصاص دارد. از این بیت می توان به سطح والای آگاهی حکیم از دانش پزشکی و این کتب ارزشمند پی برد. حکیم رکنا در این بیت اشاره ای به یکی از روش های درمان زکام که گرم کردن بدن است دارد و برای این منظور از باده که طبع گرمی دارد بهره می برد. «مزاج شراب گرم و تر است.» (ابن سینا، ۱۳۸۹: ۳۲۰) «باده، معده را گرم کند و طبیعت را بر فعل خویش قوّت دهد.» (هروی، ۱۳۷۱: ۱۲۴) نکته قابل توجه دیگر در این بیت مخالفت فقیه از باده نوشی است. در قرآن از فواید اندک باده در مقایسه با ضررهای بیشتر سخن می رود. سوره نحل آیه ۶۷ و سوره محمد آیه ۱۵ به فواید باده و سوره مائده آیه ۹۰ به مضرات باده اشاره دارد. در فقه شیعه نیز تصریح می شود که چیزهای حرام نمی توانند به عنوان دارو مورد استفاده قرار گیرند. (نجفی، ۱۳۹۲: ۴۵۰) با این وجود در قرآن حرمت باده مورد تصریح و تأکید می شود و قدما نیز برای آن فواید طبّی قائل بودند از جمله:

«رفع غم، بازکردن مجراهای تنفسی، گرم کنندگی.» (ابن سینا، ۱۳۸۹: ۳۲۰) حکیم باده را رفع کننده غم و سردی و زکام معرفی می‌کند. در غزلی دیگر او به بیان احوال خود بعد از دیدار یار می‌پردازد:

دانی که غنچه بهر چه زد عطسه و شکفت
بوی گل رخ تو شنید و زکام کرد
(کاشانی، ۱۰۱۶: ۲۶۹)

در این بیت نیز حکیم رکنا به زیبایی تمام بیماری زکام به ویژه زکام بهاره و تب یونجه و آلرژی-های ناشی از گرده گیاهان را بازتاب می‌دهد. این بیت نمونه‌ای هنرمندانه از تصویرگری و زیبایی-آفرینی حکیم رکناست که با استفاده از انواع آرایه‌های ادبی تشبیه، تشخیص، استعاره و حسن تعلیل به خلق این اثر ادبی و هنری مبادرت می‌کند. حکیم با حسن تعلیلی خیال‌انگیز دلیل زکام و عطسه زدن و شکفتن غنچه را استشمام عطر رخ یار می‌داند.

۳-۱-۲- جگر خون (سوز جگر، دود جگر و...)

از دیگر بیماری‌های مورد اشاره در غزلیات حکیم رکنا «جگر خون» است که در دسته بیماری‌های کبدی قرار دارد. اغلب مردم در تکان‌دهنده‌ترین فجایع و مصیبت‌ها که روحشان را می‌آزارد، از اصطلاحاتی چون جگر خون، سوز جگر، دود جگر، آه و ناله استفاده می‌کنند این اصطلاحات به شکلی رایج در عرصه ادبیات وجود دارد و در آثار شاعران و نویسندگان به وفور به کار می‌رود. حکیم رکنا نیز در بسیاری از ابیات، غم و غصه و اندوه فراوان خود را به صورت کنایی و با تعبیر جگر خون، خونین دل و سوز جگر و... بیان می‌نماید. این اصطلاحات چنان در آثار ادبی دارای جایگاه می‌باشند که در نگاه اول کسی در پی چند و چون آنها بر نمی‌آید، اما با توجه به نظر اغلب پزشکان مبنی بر اینکه واقعاً جگر می‌سوزد می‌توان از آنها برداشت پزشکی داشت بنابر اعتقاد ابن سینا کبد جزئی از بدن انسان یا حیوان است که محل پخته شدن غذا و پرورش تن می‌باشد و مرکز داغ-ترین جای بدن است که غذا پس از پخته شدن در جگر تبدیل به خون می‌شود و اگر پخته شدن زیادتر از حد معمولی باشد نوعی سوختن در جگر روی می‌دهد. (ابن سینا، ۱۳۸۹: ۴۰) وی همچنین معتقد است که سوختن جگر بر اثر سوء مزاج گرم کبد است که اگر کبد بر اثر این سوء مزاج به مرحله پختگی برسد چیزی غلیظ و سیاه از بدن بیمار دفع می‌شود که این چیز غلیظ و متعفن گوشت کبد است. (همان: ۱۹۸) سید اسماعیل جرجانی نیز به سوختن جگر آدمی معتقد است و می‌گوید: «آن

چه از جگر آید، آن اجزای سوخته باشد که از جگر همی آید.» (جرجانی، ۱۳۸۰: ۲۳۳) اصطلاح سوختن جگر ریشه در عقاید پزشکان گذشته دارد و مرتبط با یک بیماری مزمن کبدی است.

ما را که غیر خون دل خود خوراک نیست بر سفره کسی ار نشینیم باک نیست (کاشانی، ۱۰۱۶: ۷۷)

بس که روشن شدم از عکس رخ همچو مهش در فضای دلم از دود جگر مهتاب است (همان: ۱۲۲)

جوش زد گردون که سرّ خلق بیرون افکند جمع شد دود دل من بر سرش سرپوش گشت (همان: ۱۴۵)

۳-۲- راه‌های تشخیص بیماری

حکیم رُکنا در غزلیات خود به (۸) مورد از انواع راه‌های تشخیص بیماری اشاره دارد که در جدول شماره (۲) بسامد هر یک ارائه گردید و در ادامه یکی از آنها مورد تحلیل و ارائه قرار می‌گیرد. جدول (۲) بسامد کاربرد اصطلاحات مربوط به راه‌های تشخیص بیماری در غزلیات حکیم رُکنا

اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد
عرق (خوی)	۷	تب	۱۴	ضعف	۳۱	تنفس	۸۱
لرزه (رعشه)	۱۰	رنگ چهره	۱۷	لاغری	۵۹	درد	۱۱۵

۳-۲-۱- تب

«بالا رفتن غیر عادی درجه حرارت بدن از ۳۷ درجه سانتیگراد یا ۹۸ درجه فارنهایت به بالا را تب نامند.» (دورلند، ۱۳۷۸: ۵۰۰) طبق تعریف ابن سینا در کتاب قانون، تب حرارت بیگانه‌ای می‌باشد که از قلب شعله‌ور می‌شود و به وسیله خون و روان، این گرما از قلب به شریان‌ها و رگ‌ها انتقال می‌یابد و سپس تمام بدن انسان آن چنان شعله‌ور می‌گردد که از کار عادی ناتوان می‌ماند (ابن سینا، ۱۳۸۹: ۵) تب همیشه مربوط به اختلالات بیولوژیکی نیست بلکه عدم تعادل در هویت روانی و غوطه‌ور شدن در فکر نیز باعث ایجاد تب می‌شود. «گاهی رخ می‌دهد که انسان از بس فکر می‌کند و در بحر فکر غوطه می‌خورد به تب روزانه مبتلا می‌گردد.» (همان: ۲۵) «برای رفع آن نیز، گاهی بیمار را رگ می‌زدند.» (همان: ۱۲۳) ابن سینا تب را به انواع مختلفی دسته‌بندی می‌کند: «تب روزانه، تب دق، تب‌های سرد (تب لرز)، تب‌های گرم، تب کهنه، تب لازم و...» (همان: ۷) تب مورد اشاره حکیم رُکنا در ابیات

زیر تب عشق است که بسیار پر حرارت و سوزان است و از شوق و اشتیاق به دیدار یار ناشی می- شود و از نظر حکیم بسیار سخت و جانفرسا است.

از بس که سیاهست درونم ز تب و تاب قلعی کنم از دود جگر تابۀ شب را
(کاشانی، ۱۰۱۶: ۳۵)

شعله تب اول شب چون مرا در تن گرفت شمع از من در سحر تعلیم جان کندن گرفت
(همان: ۹۱)

از خیال روز هجران تو تب می آیدم می رود صد روز محشر تا به شب می آیدم
(همان: ۳۴۳)

پیکرم از بس تب شوق تو دارد در لحد مرغ اگر زان سر پرد آتش فتد در بال او
(همان: ۴۲۹)

۳-۳- شیوه‌های درمانی و داروها

حکیم رُکنا در غزلیات خود به (۴۲) مورد از انواع شیوه‌های درمانی و داروها اشاره دارد. در جدول شماره (۳) بسامد هر یک ارائه گردید و در ادامه یکی از آنها مورد تحلیل و ارائه قرار می‌گیرد. جدول (۳) بسامد کاربرد اصطلاحات مربوط به شیوه‌های درمانی و داروها در غزلیات حکیم رُکنا

اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد
ح	د	ح	د	ح	د	ح	د	ح	د	ح	د
حجامت	۱	جراحی	۱	خشخاش	۳	گلاب	۱۰	توتیا	۱۷	دعا	۲۹
احتما	۱	فصد	۱	عقیق	۴	یاقوت	۱۰	صبر	۱۸	خرما	۳۱
تریاق	۱	معجون	۲	مرجان	۵	دُر	۱۰	مرهم	۱۹	عشق	۳۴
افیون	۱	غالبه	۲	شکر	۵	سرمه	۱۱	شیر	۱۹	ناله	۵۲
نیل	۱	حنا	۲	لطف خدا	۶	نیشکر	۱۲	عود	۱۹	باده	۶۹
تباشیر	۱	روغن	۲	ریحان	۸	عنبر	۱۲	مُشک	۲۴	لعل	۷۱
عبیر	۱	مغفرت	۲	شربت	۱۰	موسیقی	۱۳	زر	۲۹	مزاج	۹۲

«لعل جواهریست سرخ رنگ و قیمتی.» (رامپوری، ۱۳۸۸: ۲۸۳) در قدیم لعل نبود و به این علت در هیچ کتابی خواصش ذکر نشد. سبب ظهورش آن بود که زلزله‌ای عظیم در قصبه بدخشان رخ داد و کوه‌ها شکافت و کان لعل پدیدار گشت. (طوسی، ۱۳۶۳: ۷۱) «شهر بدخشان لعل ندارد بلکه آن را از معادن دیگری به بدخشان می‌آورند و به فروش می‌رسانند و بدان شهره است. لعل انواعی دارد: رمانی، پیازی، تمری، لحمی، عنابی، بقمی، ادریسی، دوشابی، پیکانی، عقربی و قطبی.» (رامپوری، ۱۳۸۸: ۲۸۳) لعل علاوه بر اینکه برای ساخت زیورآلات و اسباب شاهان و بزرگان به کار می‌رود، دارای خواص و منافع طبی نیز می‌باشد. لعل، مزاجی گرم و خشک دارد. اگر فردی گردنبندی از لعل بر روی سینه خود بیاویزد از بیماری‌های قلب و درد دل در امان می‌ماند. اگر مقداری از لعل را آسیاب کنند و با گلاب بنوشند، برای خفقان و درد دل سودمند است. اگر دوده و گرد آن را بر روی پلک‌های چشم بکشند برای تیرگی و تاری چشم مفید است و به چشم نیرو می‌دهد. اگر کسی آن را به همراه داشته باشد از مرگ در امان می‌ماند. اگر آن را به کودکان خود بدهند، بدخویی و عصبانیت آنها را فرو می‌نشانند و در خواب نمی‌هراسد. اگر لعل آسیاب شود و آن را با گلاب و نبات مخلوط نمایند و به کسی بدهند تا بخورد، رنگ چهره‌اش را گلگون می‌نماید و تیرگی و زردی را از بین می‌برد و نشاط و شادی می‌آورد. (زاوش، ۱۳۷۶: ۱۳۵) «لعل یکی از کانی‌های گرانبهاست و از داروهای حفظ اعتدال مزاج محسوب می‌شود و آن را در مفرحات ترکیب کنند.» (همان: ۱۰۷) «استفاده از لعل برای درمان بیماری‌های خونی و تنظیم فشار خون مفید است. لعل هیجان‌ات و التهابات را آرام می‌کند و سیستم‌های عصبی را تقویت می‌نماید.» (موحد ابطحی، ۱۳۹۶: ۶۵) در ادب فارسی گاهی شاعران برخی از پدیده‌ها را از جهت رنگ و شکل و... به لعل تشبیه می‌نمایند و معانی زیبایی را خلق می‌کنند. برای مثال از جهت سرخی، می‌به لعل یا لب به لعل و یا اشک خونین به لعل تشبیه می‌شود. چنانکه در ابیات زیر مشخص است حکیم رُکنا در غالب موارد لعل را استعاره مصرّحه از لب سرخ یار می‌داند که سخنانی بس شیرین و نمکین بر لب دارد.

تاجر از لعل لبش خروارها قند آورد و ر نمک خواهی هم آن لعل شکرخند آورد
(کاشانی، ۱۰۱۶: ۱۸۲)

طعم ترشی را نفهمیدست طبع نازکت سرکه چون بگذشت بر لعل تو شکر می‌شود

(کاشانی، ۱۰۱۶: ۲۷۰)

نمک پنداشتم زان لعل می‌ریزد شکر دیدم نمک را ای پرستاران شکر کردن توان نتوان
(همان: ۴۱۰)

۳-۴- ابزار و ادوات پزشکی

حکیم رُکنا در غزلیات خود به (۵) مورد از انواع ابزار و ادوات پزشکی اشاره دارد که در جدول شماره (۴) بسامد هر یک ارائه گردید و در ادامه یکی از آنها مورد تحلیل و ارائه قرار می‌گیرد.

جدول (۴) بسامد کاربرد اصطلاحات مربوط به ابزار و ادوات پزشکی در غزلیات حکیم رُکنا

اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد
چنگاله	۲	نشتر	۸	پنبه	۱۳	نمک	۳۰	تیغ	۵۸

۳-۴-۱- نشتر

«نوعی چاقوی کوچک نوک‌دار دولبه برای جراحی.» (دورلند، ۱۳۷۵: ۷۶۲) «وقتی برای خون گرفتن، رگ‌زنی می‌شود، فصّاد باید نیشتر را از میان انگشت شست میانی خود بگیرد و انگشت سبابه را آزاد بگذارد تا بتواند با آن رگ مورد نظر را در وضعی که می‌خواهد نگاه دارد.» (الگود، ۱۳۸۷: ۴۳۱) حکیم رُکنا در غزلیات خود اغلب مفهوم پزشکی نیشتر را مدنظر دارد و از کاربردهای پزشکی آن یاد می‌کند و در برخی ابیات نیز با استفاده از تعبیرات تشبیهی و استعاری مژّه یار را همچون نیشتری از سمت یار به حساب می‌آورد.

یک نیش غمزه زان صف مژگان مرا بس است از هر مژّه زدن به دلم نیشتر چرا
(کاشانی، ۱۰۱۶: ۵۳)

نیشتر بر رگ من فاش مزّن ای فصّاد زان که هر قطره خون راز نهان دگریست
(همان: ۱۲۴)

گداخت نشتر فصاد در رگم حدیث گرمی خونم ز نیشتر بشنو
(همان: ۴۲۵)

۳-۵- مشاغل پزشکی

حکیم رُکنا در غزلیات خود به (۷) مورد از انواع مشاغل پزشکی اشاره دارد که در جدول شماره (۵) بسامد هر یک ارائه گردید و در ادامه یکی از آنها مورد تحلیل و ارائه قرار می‌گیرد.

جدول (۵) بسامد کاربرد اصطلاحات مربوط به مشاغل پزشکی در غزلیات حکیم رُکنا

اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد
عطار	۲	قابله	۲	فصّاد	۳	طیب	۱۲
حجّام	۲	حکیم	۲	پرستار	۵		

۳-۵-۱- طیب

«طیب کسی است که از علم طب آگاهی دارد و به درمان بیماران می‌پردازد.» (نجم آبادی، ۱۳۷۵: ۱۸) «وظیفه طیب آن است که از کیفیت یک حالت به علل پی برد. طیب باید اندام‌ها و وظایف آنها را به وسیله تشریح و حس بشناسد و باید بداند که بیماری چگونه برطرف می‌شود و تندرستی چگونه پایدار می‌ماند.» (ابن سینا، ۱۳۸۹: ۸) «در ایران باستان طبیبان به چند دسته طبقه‌بندی می‌شدند: چشم پزشک یا کحّال، دادپزشک (طیب قانونی) و ستور پزشک (دام پزشک)» (مکنزی، ۱۳۸۸: ۲۵۶) این واژه در ادبیات فارسی بازتاب گسترده‌ای داشته است و اکثر شاعران به آن اشاره می‌نمایند. حکیم رُکنا نیز در غزلیات خود به طور مکرر از آن بهره می‌برد و هم به مفهوم پزشکی آن اشاره دارد و نیز با استفاده از تعبیرات تشبیهی و استعاره‌ای معشوق را چون طبیبی درمانگر درد عشق می‌داند.

شد تازه خوب جان مسیحا ز نغمه‌اش بلبل طیب درد مسیحای خسته بود

(کاشانی، ۱۰۱۶: ۲۰۶)

در علاج من اگر تقصیر کردی مجرمی زان که من بیمار عشق و تو طیب حاذقی

(همان: ۴۴۷)

آورده‌ام به سینه درون خنجر تو را یعنی طیب بر سر بیمار برده‌ام

(همان: ۳۸۳)

۳-۶- باورهای عامیانه پزشکی

حکیم رُکنا در غزلیات خود به (۵) مورد از باورهای عامیانه پزشکی اشاره دارد که در جدول شماره (۶) بسامد هر یک ارائه گردید و در ادامه یکی از آنها مورد تحلیل و ارائه قرار می‌گیرد.

جدول (۶) بسامد کاربرد اصطلاحات مربوط به باورهای عامیانه پزشکی در غزلیات حکیم رُکنا

اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد
ماه و دیوانگی	۱	چشم زخم	۴	افسون	۱۷	آب حیوان	۳۲	آفتاب	۴۵

۳-۶-۱- چشم زخم

«گزندی است که گمان می‌رود از نگاه حسود یا بدخواه یا حتی ستایش‌گر به کسی یا چیزی می‌رسد و برای رفع آن نیز به اقداماتی چون دود کردن اسفند، جای قدم شخص دارای این قدرت را با کارد بریدن و... دست می‌زدند.» (صرفی، ۱۳۸۳: ۱۰۹) از روش‌های رفع چشم زخم، دود کردن اسفند است. «اسفند، نوعی گیاه علفی و سداب وحشی است که در آب و هوای معتدل می‌روید.» (معین، ۱۳۸۱: ۱۵۲) برای درد دندان و رفع چشم زخم بخور آن سودمند است و نوشتن آن بر روی پارچه‌ای کبود رنگ، رفع کننده سحر است. (عقیلی خراسانی، ۱۳۷۴: ۳۵۲) از روش‌های دیگر استفاده از تمیمه است. «تمیمه، مهره‌هایی با خال‌های سفید رنگ هستند که بر روی زمینه‌ای سیاه یا برعکس می‌کشند و در دور یک ریسمان یا تسمه به بند در می‌آورند و همچون گردنبند بر گردن می‌آویزند تا دفع‌کننده خطرات و بیماری‌ها باشد.» (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۴۹) روش دیگر عین نعل است. ایرانیان بر این باورند که اگر بر سر در خانه نعل اسب بکوبند آن خانه و اهل آن مصون از چشم زخم حسودان خواهند شد. (وارینگ، ۱۳۷۱: ۴۳۶) از روش‌های دیگر نیل کشیدن می‌باشد. رسم بر این بود که خطی از نیل بر چهره کودکان زیباروی بکشند تا از چشم زخم حاسدان ایمن بمانند حتی به منظور درمان شخصی که به علت چشم زخم بیمار بود، مقداری زاج سفید و اسفند را به نیت چشم زخم دود می‌کردند. سپس از دوده آن، هفت جای بدن بیمار را نقطه‌گذاری می‌نمودند. (هدایت، ۱۴۰۰: ۵۷) «از روش‌های دیگر بستن شاخ آهو، دندان گوزن و پنجه شیر بر گردن است.» (کزازی، ۱۳۹۲: ۲۷۰) به همراه داشتن حرز و پتر هم از شیوه‌های دیگر می‌باشد. پتر صفحه‌ای است از جنس مس یا طلا یا فلزات دیگر که بر روی آن تعویذ و طلسم را می‌نوشتند. حرز نوعی دعا بود که آن را بر کاغذی می‌نوشتند و با خود نگه‌داری می‌کردند. داشتن نقاب یا گذاشتن برقع بر چهره، از راه‌های دیگر به حساب می‌آید. روش

دیگر همراه داشتن مهره کبود می‌باشد. معمولاً برای دفع چشم زخم مهره کبود رنگی به بازوی کودکان و یا به گردن آنان می‌آویختند. (همان: ۱۴۴) حکیم رگنا نیز در بیت زیر این واژه را در مفهوم پزشکی آن به کار برده است.

نحس گردون اثر چشم خسیسان باشد سعد افلاک ز فیض نظر مردان است
(کاشانی، ۱۰۱۶: ۸۱)

۳-۷- اصطلاحات عمومی پزشکی

حکیم رگنا در غزلیات خود به (۱۹) مورد از انواع اصطلاحات عمومی طبی اشاره دارد که در جدول شماره (۷) بسامد هر یک ارائه گردید و در ادامه یکی از آنها مورد تحلیل و ارائه قرار می‌گیرد. جدول (۷) بسامد کاربرد اصطلاحات عمومی دانش پزشکی ایرانی در غزلیات حکیم رگنا

اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد
داروخانه	۱	آب نبات	۱	نسخه	۳	بیماری	۴۸
افلاطون	۱	شوربا	۱	بالین	۱۰	مرگ	۱۲۹
بخیه	۱	دارالشفای	۱	کتان	۱۵	جان	۳۷۸
زیره	۱	سرکه	۲	دارو	۴۵	عناصر	۷۰۷
کافور	۱	اسپند	۲	خواب	۴۶	اربعه	

۳-۷-۱- بخیه

واژه بخیه زدن به معنی قرار دادن بافت‌های بدن در یک وضعیتی طبیعی است تا ترمیم انجام پذیرد. تاریخچه نخ‌های بخیه جراحی به هزاران سال پیش برمی‌گردد. در شروع قرن نوزدهم از نخ‌های فلزی برای بخیه استفاده می‌شد. در انتهای قرن نوزدهم از مواد مختلفی همچون ابریشم، کتان، پنبه، کنف، پوست درخت، موی حیوانات، روده گوسفندان و بز برای بخیه زدن و بستن زخم‌ها استفاده می‌شد. (دُمیتریو، ۲۰۰۲: ۹۴) در بیت زیر حکیم رگنا این واژه را در مفهوم پزشکی آن به کار برده و سپس برای خلق یک تعبیر کنایی زیبا از آن مدد جسته است.

می‌نماید سر به سر ویرانی عالم ز من خوش به جای بخیه خود بر روی کار افتاده‌ام

(کاشانی، ۱۰۱۶: ۳۶۱)

۳-۸- اندام‌ها و کارکرد آنها

حکیم رُکنا در غزلیات خود به بیش از (۱۱) مورد از انواع اندام‌های بدن اشاره دارد که در جدول شماره (۸) بسامد هر یک ارائه گردید و در ادامه یکی از آنها مورد تحلیل و ارائه قرار می‌گیرد.

جدول (۸) بسامد کاربرد اصطلاحات مربوط به اندام‌ها و کارکرد آنها در غزلیات حکیم رُکنا

اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد	اصطلاح	بسامد
دندان	۱۱	مشام	۲۶	استخوان	۵۵	قلب	۸۸
رگ	۱۶	کبد	۳۴	زبان	۷۰	سایر اعضا	۱۴۷۵
ناخن	۱۷	گوش	۳۴	چشم	۶۱۵		

۳-۸-۱- قلب

«عضو عضلانی توخالی و پر قدرتی که مسئول رسانیدن خون اکسیژن‌دار به بافت‌های بدن و رسانیدن خون بدون اکسیژن به ریتن جهت تصفیه و اکسیژن‌گیری است.» (دورلند، ۱۳۷۵: ۵۹۲)

«قلب از گوشتی سفت و نیرومند است تا از آسیب‌ها محفوظ باشد. شکل و هیأت قلب صنوبری می‌باشد و در نیامی بسیار سفت جای دارد به این علت که سپری برای قلب باشد.» (ابن سینا، ۱۳۸۹: ۵۰۴)

حکیم رُکنا در غزلیات خود به صورت مکرر به ذکر نام اعضای مختلف بدن اشاره دارد. در کتب معتبر پزشکی، هر یک از اعضای بدن فصلی مختص به خود دارد و به طور مفصل نقش و کارکرد هر یک تشریح و بیان می‌شود. حکیم رُکنا نیز در غزلیات خود به وفور از این واژگان مدد می‌جوید. حکیم با بهره‌گیری مکرر از این اصطلاحات به خلق انواع ترکیبات تشبیهی و استعاری و مجازی و کنایی را مبادرت می‌نماید و غنای ادبی اشعارش را فزون‌تری می‌بخشد.

ز دشت سینه من زود بگذرید که گاه سموم می‌وزد و نیست یک پناه اینجا

(کاشانی، ۱۰۱۶: ۴۲)

دلا اگر بتوانی دواي دردم کن بدست درد مده جان ناتوان مرا

(همان: ۴۷)

تو در باغ دل من سروی و او نارون ای گل

دهم آب از دو چشم تر تو را شام و سحر او را

(کاشانی: ۴۸)

همچو طفلان روز و شب می‌بندمت در مهد دل

جبرئیل عشقم و گهواره می‌جنبانمت

(همان: ۸۵)

۴- نتیجه‌گیری

۴-۱- در این پژوهش با آوردن شواهدی از اشعار حکیم رُکنا، به شناخت بیشتری از وی دست یافتیم و از نظرات شاعر در مورد دانش‌های رایج زمانش از جمله پزشکی آگاهی یافتیم و نیز و پی بردیم که حکیم رُکنا چگونه از این علم برای بیان مفاهیم ذهنی خود مدد می‌جوید.

۴-۲- حکیم رُکنا در غزلیات خود به مباحث پزشکی از جمله انواع بیماری‌ها، راه‌های تشخیص بیماری، شیوه‌های درمانی، ادوات، مشاغل، اندام‌ها، اصطلاحات عمومی پزشکی و باورهای عامیانه طبّی اشاره دارد. هدف حکیم رُکنا از کاربرد این اصطلاحات، آموزش دانش پزشکی به دیگران نمی‌باشد بلکه او از این علم جهت تفهیم بیشتر مطالب مدنظرش بهره می‌برد و با استفاده از انواع آرایه‌های ادبی علم بیان از جمله تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز دست به آفرینش‌های ادبی می‌زند.

۴-۳- در این پژوهش توانستیم به شناخت نسبی از فواید و خواص برخی از داروها دست یابیم و نیز با برخی اندام‌ها و کارکرد آنها، انواع بیماری‌ها، راه‌های تشخیص بیماری و... آشنا شویم.

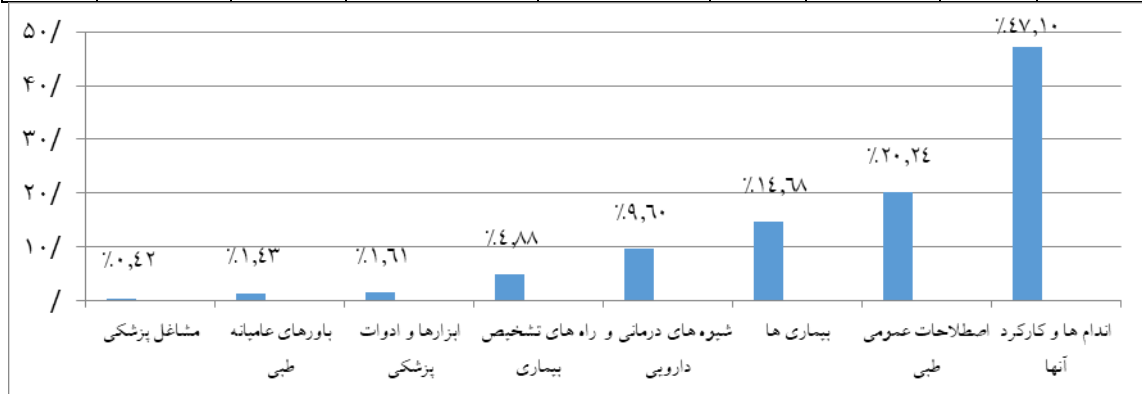
۴-۴- پژوهش‌هایی از این دست سبب می‌شود تا ابهامات موجود در اشعار شاعر کاهش یابد، و نیز صاحب‌نظران علم پزشکی به مطالعه آثار ادبی به منظور آگاهی از یافته‌های پزشکی گذشتگان ترغیب شوند. بسیار شایسته است شاعران معاصر نیز پزشکی نوین و اصطلاحات آن را در آثارشان وارد کنند و نیز پیشنهاد می‌شود که هر کدام از اصطلاحات طبّی چه در اشعار رُکنا و چه در ادبیات فارسی به طور مجزا از سوی پژوهشگران علاقه مند مورد بررسی قرار گیرد تا نتایج آن در جامعه کاربردی شود.

۴-۵- از مجموعه مطالبی که در این پژوهش بیان شد، در می‌یابیم که آشنایی با دانش پزشکی ایرانی، ما را در درک صحیح مفاهیم سروده‌های شاعر مدد می‌رساند و با اطلاع نسبی از این دانش می‌توانیم به ظرافت‌های پنهان در برخی ابیات پی ببریم و با خواندن اشعار به التذاذ ادبی دست یابیم.

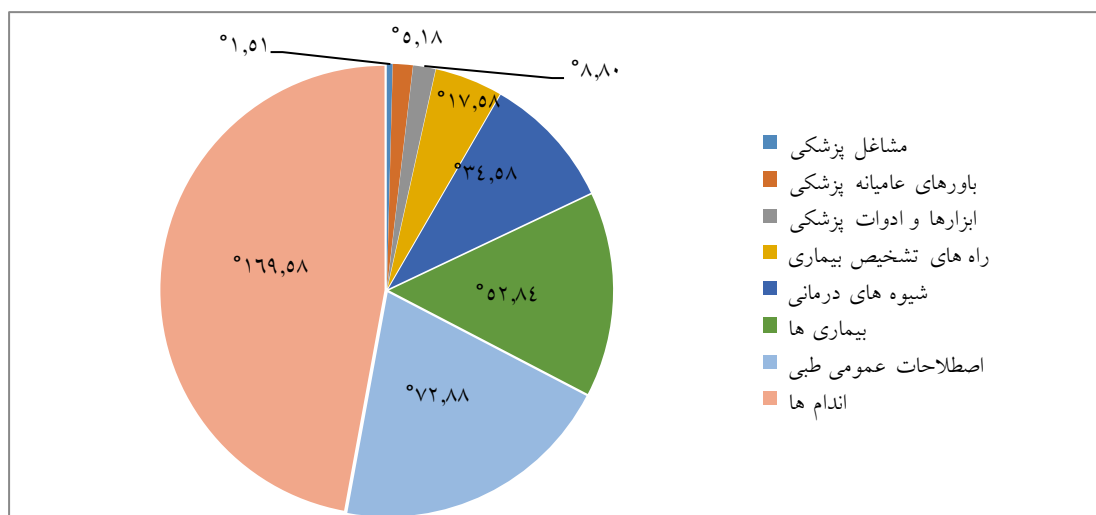
۴-۶- حکیم رکن‌المسیح کاشانی در غزلیات خود به (۱۲۷) مورد از انواع مختلف اصطلاحات پزشکی ایرانی اشاره دارد. با توجه به اینکه حرفه حکیم رکن‌المسیح طبابت است، وی آگاهی کاملی از این اصطلاحات دارد و با بسامد بالایی در حدود (۶۸۸۰) مرتبه در غزلیات خود از این اصطلاحات بهره می‌برد. در جدول شماره (۹) به شرح زیر بسامد کاربرد هر یک از اصطلاحات دانش پزشکی ایرانی در غزلیات حکیم رکن‌المسیح ارائه گردید و سپس در ادامه در شکل شماره (۱) و (۲) نمودار دایره‌ای و ستونی بسامد کاربرد هر یک از اصطلاحات مورد تبیین و ارائه قرار گرفت.

جدول (۹) بسامد کاربرد اصطلاحات دانش پزشکی ایرانی در غزلیات حکیم رکن‌المسیح

عناوین	مشاغل پزشکی	باورهای عامیانه طبی	ادوات پزشکی	راه‌های تشخیص بیماری	شیوه‌های درمانی و دارویی	بیماری‌ها	اصطلاحات عمومی	اندام‌ها
تعداد کل	۷	۵	۵	۸	۴۲	۳۰	۱۹	۱۱
بسامد کل	۲۹	۹۹	۱۱۱	۳۳۶	۶۶۱	۱۰۱۰	۱۳۹۳	۳۲۴۱
درصد	۰,۴۲٪	۱,۴۳٪	۱٪	۴٪	۹٪	۱۴٪	۲۰٪	۴۷٪
درجه	۰۱	۰۵	۰۵	۰۱۷	۰۳۴	۰۵۲	۰۷۲	۰۱۶۹



شکل (۱) نمودار ستونی بسامد کاربرد اصطلاحات دانش پزشکی ایرانی در غزلیات حکیم رگنا



شکل (۲) نمودار دایره‌ای بسامد کاربرد اصطلاحات دانش پزشکی ایرانی در غزلیات حکیم رگنا

فهرست منابع و مآخذ

الف- کتب

- ۱- ابن سینا، حسین، (۱۳۸۹). قانون، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، ۸ جلد، تهران: سروش.
- ۲- آذر طلعت، امیر علی، (۱۳۷۸). شرح احوال و بررسی آثار و گزیده اشعار مسیح کاشانی، تهران: سروش.
- ۳- الگود، سیریل لوید، (۱۳۸۷). تاریخ پزشکی ایران و سرزمین خلافت شرقی، تهران: امیرکبیر.
- ۴- جرجانی، سید اسماعیل، (۱۳۸۰). ذخیره خوارزمشاهی، ۵ جلد، تهران: فرهنگستان علوم پزشکی ایران.
- ۵- دورلند، ویلیام، (۱۳۷۸). فرهنگ پزشکی دورلند، تهران: یادواره کتاب.
- ۶- رامپوری، غیاث الدین، (۱۳۸۸). غیاث اللغات، تهران: امیرکبیر.
- ۷- زاوش، محمد، (۱۳۷۶). کانی شناسی ایران قدیم، تهران: پژوهشگاه علوم.
- ۸- صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات در ایران، ۵ جلد، تهران: فردوس.

- ۹- طوسی، خواجه نصرالدین، (۱۳۶۳). تنسوخ نامه ایلخانی، تهران: اطلاعات.
- ۱۰- عقیلی خراسانی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، مخزن الادویه، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- ۱۱- قزوینی، ملا عبدالنبی فخر الزمانی، (۱۳۷۵)، تذکره میخانه، تهران: اقبال.
- ۱۲- کاشانی، رکن الدین مسعود، (۱۰۱۶)، دیوان حکیم رکن مسیح کاشانی، کاشان: دارالمؤمنین.
- ۱۳- کرآزی، میر جلال الدین، (۱۳۹۲)، گزارش دشواری های دیوان خاقانی، تهران: نشر مرکز.
- ۱۴- معین، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ معین، ۲ جلدی، تهران: آدنا.
- ۱۵- مفیدی، مصطفی، (۱۳۷۵). فرهنگ فشرده پزشکی آکسفورد، تهران: فرهنگان.
- ۱۶- مکنزی، دیوید نیل، (۱۳۸۸). فرهنگ کوچک زبان پهلوی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۱۷- موحّد ابطحی، محمد، (۱۳۹۶)، سنگ ها و خواص اعجاب انگیز، قم: عطر عترت.
- ۱۸- نجفی، محمد حسن، (۱۳۹۲)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ۴۳ جلد، تهران: اسلامیه.
- ۱۹- نجم آبادی، محمود، (۱۳۸۴). دایره المعارف طب اسلامی، قم: مکتب اهل بیت (ع).
- ۲۰- وارینگ، فیلیپ، (۱۳۷۱)، فرهنگ خرافات، ترجمه احمد حجازان، تهران: مترجم.
- ۲۱- هدایت، صادق، (۱۴۰۰)، فرهنگ عامیانه مردم ایران، تهران: چشمه.
- ۲۲- هروی، موفق الدین، (۱۳۷۱)، الابنیه عن حقایق الادویه، تهران: دانشگاه تهران.

ب- منابع انگلیسی

۲۳- Dumitriu, S. (۲۰۰۲), **Polymetric Biomaterials**, New York: Marcel

Dekker.

پ - مقالات

- ۲۴- شاه حسینی، ناصرالدین؛ و شریفیان، محمد علی، (۱۳۹۱)، «بررسی ساختاری دیوان خاقانی و حکیم رُکنا»، فنون ادبی، دوره ۴، شماره ۲، صص: ۱-۱۸.
- ۲۵- شریفیان، محمد علی، (۱۳۸۸)، «تحلیل سیمای شاه عباس در دیوان حکیم رُکنا و مقایسه با کتب تاریخی»، علوم انسانی فقه و تاریخ تمدن، دوره ۶، شماره ۱، صص: ۷۷-۱۰۲.
- ۲۶- صرفی، محمد رضا، (۱۳۸۳)، «بازتاب باورهای خرافی در مثنوی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره ۱۲، شماره ۱۵، صص: ۱۰۳-۱۲۸.

- ۲۷- عباسی، مریم، (۱۳۹۰). «جایگاه تمیمه در طب عام بوشهر»، تاریخ پزشکی، دوره ۳، شماره ۶، صص: ۱۱۵-۱۲۲.
- ۲۸- قاصد رضائی، شیوا؛ و ماحوزی، مهدی، (۱۳۹۳)، «سبک‌شناسی دیوان مسیح کاشانی و معرفی نسخ خطی آن»، بهار ادب، دوره ۷، شماره ۲۳، صص: ۱۴۹-۱۶۵.
- ۲۹- قدمی یزدی، الهام؛ غفاری، فرزانه؛ ربانی، مهتاب؛ و رستگاری، سید محمد، (۱۳۹۰)، «تحلیل نزله و زُکام از نظر طب سنتی و مروری بر موارد مرتبط آن در طب کلاسیک»، تاریخ پزشکی، دوره ۳، شماره ۹، صص: ۹۷-۱۱۸.